

تورم افسارگسیخته علیه سفره مز دبگیران

افزایش مداوم قیمت کالاهای اساسی و خدمات، طبقه کارگر و حقوق‌بگیر را در برابر بحرانی قرار داده که هر ماه قدرت خرید آنان را بیشتر می‌فرساید



گذشته‌هزینه‌کرده‌اند؛ افزایشی که نسبت به ماه قبل نیز ۱۰۷ واحد درصد رشد داشته است. تورم ماهانه ۵ درصدی نیز نشان می‌دهد فشار افزایش قیمت‌ها نه تنها متوقف نشده، بلکه با شتابی تازه در حال ادامه است؛ روندی که هر ماه بخش دیگری از قدرت خرید مزد و حقوق‌رامی بلند و فاصله میان درآمد و هزینه‌های واقعی زندگی را عمیق‌تر می‌کند. در چنین فضایی، حتی افزایش‌های مقطعی دستمزد نیز به سرعت تحت تأثیر موج جدید گرانی‌ها قرار می‌گیرد و توان ترمیم قدرت خرید خانوارها را از دست می‌دهد.

شکاف تورمی دهک‌ها

نگاهی دقیق‌تر به اجزای تورم، واقعیتی تلخ‌تر را آشکار می‌کند. تورم ماهانه گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در فروردین ماه به ۵۶ درصد رسیده؛ رقمی که به‌طور مستقیم معیشت خانوارهای کم‌درآمد را هدف قرار می‌دهد و سفره دهک‌های فرودست را کوچک‌تر می‌کند. همزمان، تورم کالاهای غیرخوراکی و خدمات نیز با ثبات رقم ۴۵ درصدی، فشار مضاعفی بر هزینه‌های مسکن، درمان و آموزش وارد کرده است. کارشناسان اقتصادی بارها هشدار داده‌اند سید محاسبانی رسمی، با الگوی مصرف واقعی خانوارهای کارگری همخوانی ندارد و اگر تورم خالص سبد مصرفی حداقل‌بگیران محاسبه شود، ارقام بسیار بالاتری به دست خواهد آمد.

داده‌های رسمی نشان می‌دهد نرخ تورم سالانه برای دهک‌های مختلف، فاصله‌ای معنادار پیدا کرده است. تورم سالانه دهک دهم حدود ۵۲ درصد و دهک دوم بیش از ۵۸ درصد اعلام شده است. فاصله تورمی دهک‌ها در فروردین به ۶۰۲ واحد درصد رسیده؛ شکافی که نسبت به ماه قبل افزایش داشته و نشانه‌ای روشن از نابرابری فزاینده در تحمل فشار تورم است. چنین روندی به‌وضوح بیانگر آن است که فقرا بیش از سایرین هزینه تورم را می‌پردازند و شتاب سقوط آنان به زیر خط فقر، نگران‌کننده‌تر از همیشه شده است.

معیار رسمی هزینه‌ها

محاسبه سبد معیشت خانوارهای کارگری، سال‌هاست به یکی از اصلی‌ترین معیارهای سنجش وضعیت معیشتی مزدبگیران تبدیل شده و مبنای آن نیز بند دوم ماده ۴۱ قانون کار است؛ بندی که تصریح می‌کند حداقل دستمزد باید به اندازه‌ای تعیین شود که بتواند هزینه‌های حداقلی

یک خانوار متوسط کارگری را پوشش دهد. شورای عالی کار نیز در تمامی مذاکرات مزدی، سبد معیشت را به‌عنوان شاخص اصلی ارزیابی فاصله مزد و هزینه‌های زندگی مینا قرار می‌دهد. این سبد براساس داده‌های رسمی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، به‌ویژه در حوزه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، محاسبه می‌شود و در جریان مذاکرات مزدی سال ۱۴۰۵، با استناد به داده‌های تورمی بهمن‌ماه، رقم آن حدود ۴۵ میلیون تومان برآورده شد؛ رقمی که نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت به‌طور مشترک آن را تأیید و امضا کردند. با وجود این، تنها چند هفته پس از آغاز سال جدید، شتاب افزایش قیمت‌ها باعث شده همان برآورد رسمی نیز کارایی خود را از دست بدهد. هرچند حداقل دستمزد سال ۱۴۰۵ را رشد ۶۰ درصدی، یکی از بالاترین افزایش‌های مزدی سال‌های اخیر محسوب می‌شود، اما هنوز فاصله‌ای نزدیک به ۲۰ میلیون تومان میان دریافتی حداقل‌بگیران و هزینه‌های واقعی زندگی وجود دارد. همین مسئله سبب شده فعالان کارگری معتقد باشند حتی رشد کم‌سابقه مزد نیز نتوانسته قدرت خرید از دست رفته خانوارها را احیا کند و سطح پوشش دستمزد همچنان فاصله‌ای جدی با واقعیت معیشت روزمره دارد. بسیاری از خانواده‌های کارگری اکنون ناچارند برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای خود، بخشی از هزینه‌های ضروری زندگی را حذف یا محدود کنند و همین مسئله، نشانه‌ای آشکار از فرسایش مداوم قدرت خرید مزدبگیران در ماه‌های اخیر است.

فرسایش مداوم قدرت خرید

فرامرز توفیقی، فعال کارگری و عضو سابق کمیته دستمزد شورای عالی کار که طی سال‌های اخیر محاسبات سبد معیشت را به‌صورت مستقل دنبال می‌کند، معتقد است حتی برآوردهای رسمی نیز با واقعیت زندگی کارگران فاصله دارد. او می‌گوید مبنای اصلی این محاسبات، سبد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و اعمال یک ضریب کلی بر سایر هزینه‌هاست، درحالی که بسیاری از هزینه‌های تعیین‌کننده مانند درمان، آموزش و مسکن به‌صورت دقیق در این برآوردها لحاظ نمی‌شود. به گفته توفیقی، تعیین واقعی هزینه‌های این بخش‌ها نیازمند مطالعات میدانی و محاسبات کارشناسانه گسترده است، اما حتی با همان معیارهای حداقلی نیز سبد معیشت ۴۵ میلیون تومانی واقعی اترپخش آن بر معیشت خانوارهاست. کارشناسان معتقدند قانون بودجه امکان به‌روزرسانی اعتبار کالابزرگ متناسب با شرایط اقتصادی را پیش‌بینی کرده و مانع اصلی، تأمین سریع منابع مالی است. فرامرز توفیقی در این باره می‌گوید حتی سه برابر شدن اعتبار کالابزرگ نیز تمام مشکلات خانوارهای کارگری را حل نمی‌کند، اما می‌تواند بخشی از فشار هزینه‌های خوراکی را کاهش دهد و اندکی از کسری بودجه ماهانه خانواده‌ها بکاهد. به اعتقاد او، محتمل‌ترین سناریوی پیش‌رو دو برابر شدن مبلغ کالابزرگ و رساندن آن به سقف ۲ میلیون تومان است. توفیقی تأکید می‌کند خانوارهای حداقل‌بگیر اکنون در شرایطی دشوار و کم‌سابقه قرار دارند و هرگونه تعلل در تصمیم‌گیری، به معنای افزایش فشار بر زندگی روزمره میلیون‌ها خانواده‌ای خواهد بود که برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای معیشتی خود با بحران جدی روبه‌رو هستند.

اهمیت راهکارهای حمایتی

راهکارهایی مانند کالابزرگ الکترونیک، یارانه‌های هدفمند و حمایت مستقیم از تأمین کالاهای اساسی، زمانی اثربخش خواهند بود که با نرخ واقعی تورم هماهنگ شوند و قدرت خرید از دست‌رفته خانوارها را تا حدی ترمیم کنند. اهمیت این سیاست‌ها فقط در کاهش فشار اقتصادی روزمره خلاصه نمی‌شود؛ تقویت حمایت‌های اجتماعی می‌تواند امنیت روانی خانواده‌ها را نیز حفظ کند و مانع گسترش احساس بی‌ثباتی در جامعه شود. به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان معتقدند بازسازی نظام حمایت معیشتی، امروز بیش از هر زمان دیگری به یک ضرورت فوری اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است.

معیشت



یادداشت
O P I N I O N



سعید فتاحی

مشاور کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران

معیشت کارگران و اضطراب اخراج

امروز بیش از هر زمان دیگر، مسئله امنیت شغلی به مهم‌ترین دغدغه جامعه کارگری بدل شده؛ دغدغه‌ای که تنها به نگرانی از کاهش درآمد محدود نمی‌شود، بلکه با ترس دائمی از اخراج، تعلیق یا از دست رفتن موقعیت شغلی گره خورده است. بخش بزرگی از کارگران کشور که با قراردادهای موقت و بی‌ثبات به کار مشغولند، عملاً در وضعیتی قرار دارند که کوچک‌ترین اعتراض به شرایط کاری یا مطالبه حقوق قانونی، می‌تواند به بهای از دست دادن شغل آنان تمام شود. در چنین فضایی، طبیعی است که احساس ناامنی، آرامش روانی و حتی کیفیت زندگی خانوارهای کارگری را تحت تأثیر قرار دهد.

در کنار این نگرانی فراگیر، مسئله مطالبات معوق نیز همچنان به‌عنوان زخمی کهنه بر پیکر روابط کار باقی مانده است. هنوز شمار قابل توجهی از کارگران موفق به دریافت عیدی، سنوات و برخی مزایای قانونی سال گذشته خود نشده‌اند و این تعویق‌ها در شرایط دشوار اقتصادی، فشار مضاعفی بر معیشت آنان وارد کرده است. نگران‌کننده‌تر آنکه برخی کارفرمایان با استناد به شرایط جنگی و بحران‌های اقتصادی، تلاش می‌کنند اجرای مصوبات مزدی جدید را نادیده بگیرند و از کارگران بخواهند با دستمزدهای سال گذشته به کار ادامه دهند. چنین رویکردی، صرف‌نظر از مشکلات اقتصادی بنگاه‌ها، نه با روح قانون کار سازگار است و نه با اصول عدالت اجتماعی. هیچ شرایط بحرانی نمی‌تواند توجیهی برای تعلیق حقوق قانونی نیروی کار باشد.

در این میان، نقش نظارتی دولت و نهادهای مسئول اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. واقعیت آن است که ضعف نظارت و کمبود بازرسان کار، زمینه را برای بروز تخلفات گسترده‌تر فراهم کرده است. هنگامی که بازرسی مستمر و مؤثر بر واحدهای تولیدی و اقتصادی وجود نداشته باشد، امکان تضییع حقوق کارگران در حوزه دستمزد، مزایا، بیمه، عیدی و حتی حفظ امنیت شغلی افزایش می‌یابد. استمرار چنین وضعیتی تنها به زیان کارگران نیست، بلکه می‌تواند اعتماد عمومی در محیط‌های کار را فرسوده و ثبات اجتماعی و اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. جامعه کارگری انتظار دارد دستگاه‌های مسئول با قاطعیت بیشتری وارد میدان شوند و اجازه ندهند تفسیرهای سلیقه‌ای از شرایط اقتصادی، جایگزین اجرای صریح قانون شود.

صیانت از نیروی کار، صرفاً یک مطالبه صنفی نیست، بلکه ضرورتی برای حفظ ثبات اجتماعی و تداوم تولید ملی است. کارگری که آینده شغلی خود را در هاله‌ای از ابهام می‌بیند و امکان پیگیری حقوق حداقلی‌اش را ندارد، نمی‌تواند با آرامش و انگیزه در چرخه تولید باقی بماند. از همین رو، دولت و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید با تقویت نظام بازرسی، الزام کارفرمایان به اجرای کامل قانون و پیگیری فوری بی‌تبعیض قانون، تنها سپری است که می‌تواند از جامعه کارگری در برابر سودجویی، بی‌ثباتی و سوءاستفاده از شرایط بحرانی حفاظت کند.

نوشین مقدم پناه

روزنامه نگار

“

عبور تورم

از مرزهای

متعارف

اقتصادی، حالا

نه فقط معیشت

فرودستان،

بلکه امنیت

روانی و ثبات

زندگی طبقه

متوسط

حقوق بگیر را

تهدید می کند